

تنته



✎ Adelheid Marie Bwire

✉ Melany Pietersen

📖 Marzieh Mohammadian Haghighi

🗨️ persisk

📖 niva 2



Barnebøker for Norge

barneboker.no

تنته

Skrevet av: Adelheid Marie Bwire

Illustrert av: Melany Pietersen

Oversatt av: Marzieh Mohammadian Haghighi

Denne fortellingen kommer fra African Storybook (africanstorybook.org) og er videreformidlet av Barnebøker for Norge (barneboker.no), som tilbyr barnebøker på mange språk som snakkes i Norge.

Dette verket er lisensiert under en Creative Commons

[Navngivelse 3.0 Internasjonal Lisens.](https://creativecommons.org/licenses/by/3.0/deed.no)

<https://creativecommons.org/licenses/by/3.0/deed.no>



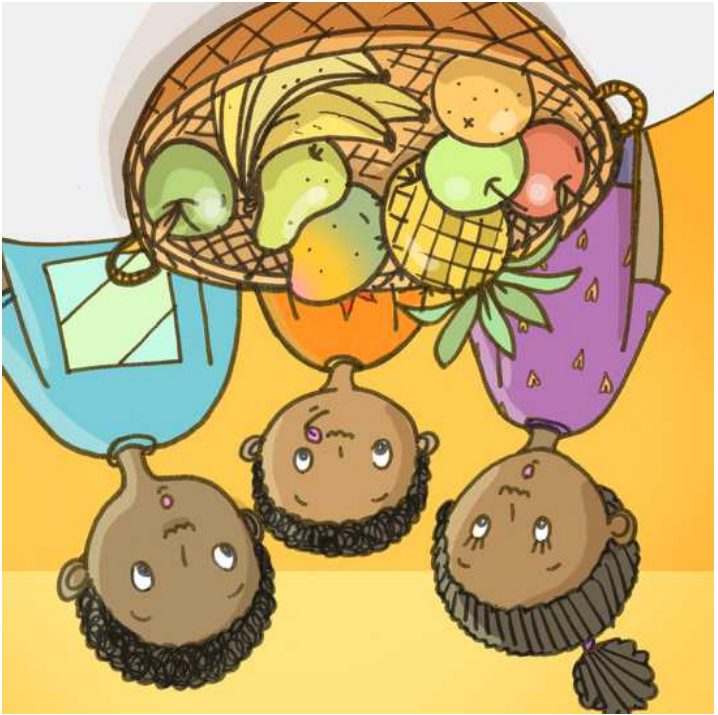


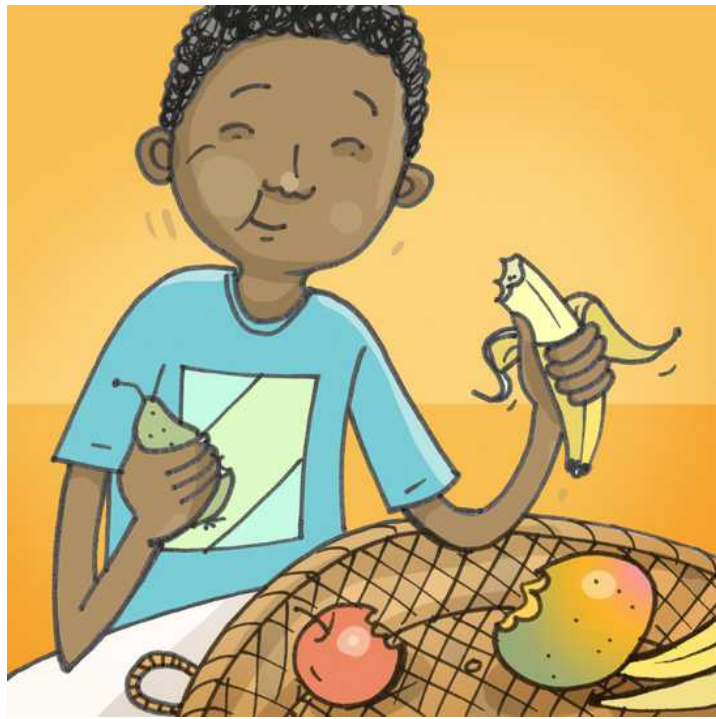
یک روز مادرم مقدار زیادی میوه خرید.

جورنہ

لہذا جو ہوتے ہیں ہمیشہ: "امشب جو ہم

"ماں پرستیم" کی مثالیں جنہاں ہم





برادرَم رَحِيم پُرخور اَست. او اَز هَمه ي ميوه ها
چشيد. وَ مقدار زيادي ازميوه ها را خورد.

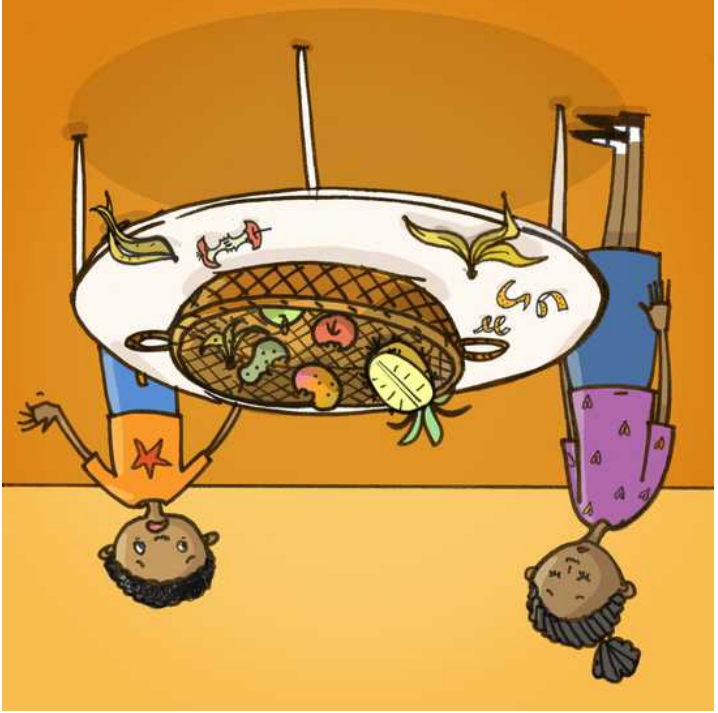


در آخِر رَحِيم اَز ما عذرخواهي كُرد. وَ اين قول را
داد: "مَن ديگر هيچوقت اينقدر پُرخوري نخواستيم
كرد." وَ ما هم حرفش را باور كُرديم.

مادر می‌دانست که این اتفاق خواهد افتاد. متوجه
ها رحیم را تئیه کردند



برادر کوچکم فریاد زد: "ببینید رحیم چه کاری
کرده! من هم گفتم رحیم سرکش و خودخواه
است."





مادر از دست رحيم عصباني شد.

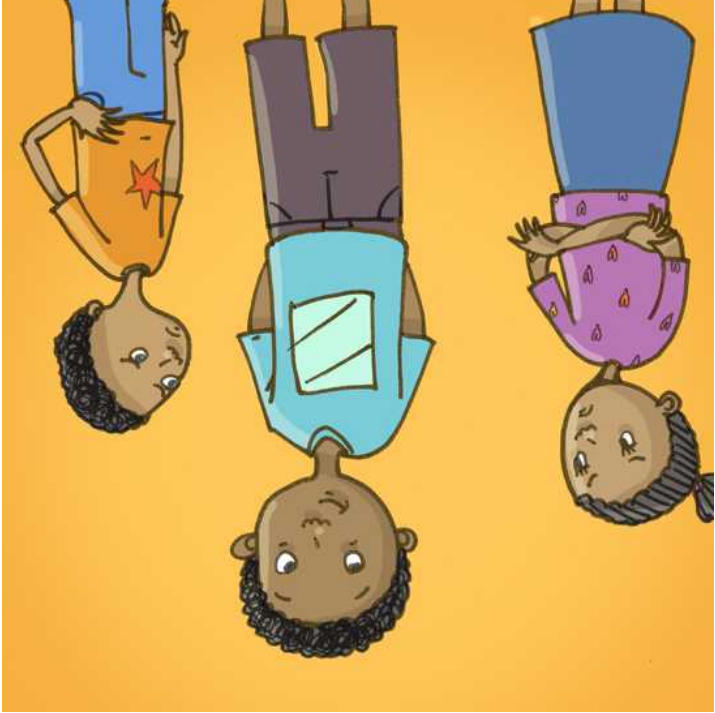


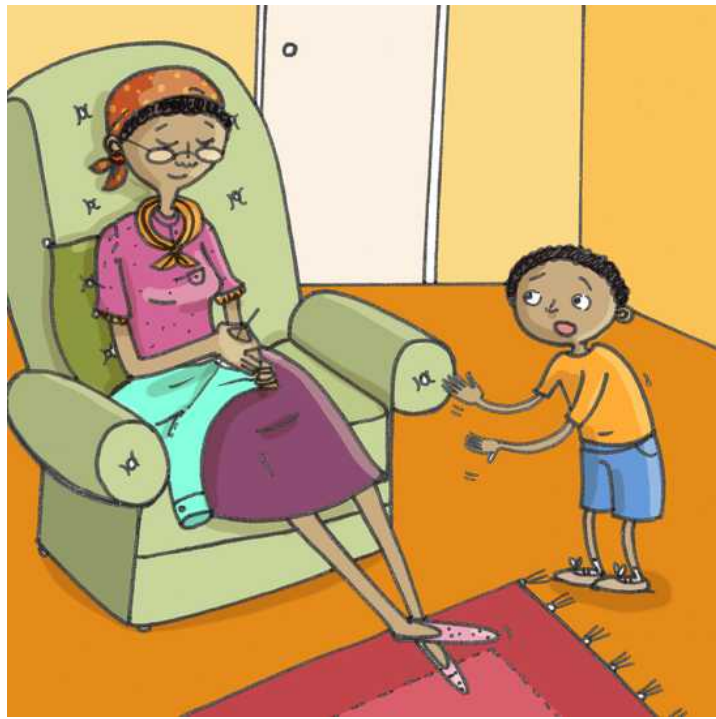
رحيم آرام زمزمه مي کرد. "شکمه خيلي پيچ مي خورد."

رحيم داحت احساس مريضى مي كند.



ما هم از دستش عصباني شديد. ولي رحيم اصلا متاسف نشد.





برادرِ کوچکِ پُرسید: "نمی‌خواهی رَحیم را تَنبیه
کنی؟"



مادرِ به رَحیم تَذکُر داد، "به زودی از این کارَت
پَشیمان خواهی شد."